به دانش‌آموز فرصت اندیشیدن دهید

بحث و گفت‌وگو با فریدون اکبری شلدره‌ای، کارشناس مسئول گروه ادبیات فارسی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

اشاره

دکتر فریدون اکبری شلدره‌ای از نگارندگان کتاب «فارسی» اول ابتدایی معتقد است، پس از هم‌سوسازی کتاب فارسی با برنامه‌ی درسی ملی، هدف نهایی این است که دانش‌آموز نسبت به خود، خدا، خلق و خلقت شناخت پیدا کند و آموزه‌های رفتاری و اخلاقی هدف، در محیط خانواده و رفتار فراگیران نمود پیدا کند. در ارتباط با تغییراتی که در کتاب فارسی پایه‌ی اول ابتدایی در سال تحصیلی ۹۱ ـ ۱۳۹۰ و هم‌زمان با اجرای طرح هم‌سو سازی برنامه‌های درسی پایه‌ی اول ابتدایی با برنامه‌ی درسی ملی رخ داده است، با دکتر اکبری شلدره‌ای بحث و گفت‌وگویی انجام شده است که چکیده‌ای از آن را در پی می‌آوریم.

آقـای دکتر! منظور از هم‌سـو سـازی کتاب‌های درسی با برنامه‌ی درسی ملی چیست؟

هم‌سوسـازی یعنی هم‌آهنگ کردن و هم‌نوا ساختن چیزهایی با یکدیگر. در این جا ما در یک سو برنامه‌ی درسی ملی را داریم که سندی نوزاد در کشور است و در آموزش و پرورش ما چنین سندی تا به اکنون موجود نبوده اسـت. با زایش و تولید این سند در فرآیند آموزش رسمی کشور، انتظار این است که از این پس همه‌ی گام‌ها رنگی از این برنامه و بنیان‌های این برنامه را داشته باشد. بنابراین ما این هم‌سویی را در دو حوزه بررسی خواهیم کرد: ۱. هم‌سوسازی برنامه‌های درسی با برنامه‌ی درسـی ملی ۲. هم‌سوسازی بسته‌های آموزشی یا کتاب‌های درسی با برنامه‌ی درسـی ملی. بنابراین مقصود ما از هم‌سوسازی یعنی آسمانی که بر فراز نظام آموزش و پرورش ما افراشته شده است و قرار است از امسال تمام آموزش‌های ما رنگی از آن آسمان داشته باشد و به سخن دیگر، خونی که قرار اسـت در تمام رگ‌های آموزشی کشور به جریان بیفتد، باید رنگی از برنامه‌ی درسی ملی در خود داشته باشد.

در مسیر هم‌سوسـازی، برنامه‌ی درسی فارسی چه تأثیراتی پذیرفته است؟

ما در هم‌سوسازی برنامه‌ی درسی فارسی یا برنامه‌ی‌زبان آموزی، بنیان‌های برنامه را دیدیم و تلاش کردیم که هم رنگ و هم‌آهنگ با برنامه‌ی درسـی ملی باشند. قصد ما از بنیان‌های برنامه، این ستون‌ها هسـتند: رویکرد برنامه، اصول برنامه، اهداف برنامه، محتوا، روش‌ها و ارزش‌یابی. این شش عنصر در حقیقت عناصر بنیادی هر برنامه است. تلاش کردیم رویکرد عام هر برنامه‌ی زبان‌آموزی ما، همان رویکردی باشـد که در برنامه‌ی درسـی ملی بر آن پای فشرده شده است، یعنی رویکرد شکوفایی فطرت الهی. بنابراین از این پس تمام پویه‌های ما باید، ما را در مسیر شکوفا سازی این فطرت کمک کند.

آیـا برنامه‌های قبلـی با برنامه‌ی جدیـد، تفاوت زیادی داشت؟

خوش‌بختانه چون برنامه‌ی درسـی فارسی پیشتر از عصر و زمان خود حرکت می‌کرد و برنامه‌ی نوپدیدی بود و در طول این چند سـال هم تقریباً هر سال، بازنگری و بازسازی می‌شد، آن را با گام‌هایی که در دفتر تألیف برداشته می‌شد؛ تقریباً هم‌آهنگ و هم‌سو کرده‌ایم. بنابراین ما در مبانی برنامه تغییر بسـیار نداریم. به زبان دیگر برنامه‌ی درسـی زبان‌آموزی، حدود ۹۰ درصد هم‌سـویی با برنامه‌ی درسی ملی داشت و آن اندک زمینه‌ای که ناهم‌سـویی بود، در برنامه‌ی جدیدمان با سند تازه بازخوانی کردیم. در این بازخوانی رویکرد عام قبلی ما که فرهنگی و تربیتی بود، به رویکرد شکوفایی فطرت الهی تغییر یافت. البته این دو تقریباً هم‌خون و هم مسیرند. اما با این نگاه جدید، برنامه خود را از آغاز تا انجام بازخوانی کردیم که عناصری دست‌خوش بازخوانی شدند.

حـدود ۱۰ درصدی که عنوان داشـتید دچار تغییر شـده، چـه مواردی را شـامل می‌شـود و تغییـر روی چه محورهایی صورت گرفته است؟

ما محورهایی را از برنامه‌ی درسـی ملی اسـتخراج کرده بودیم. این محورها ۱۰ مورد هسـتند، یعنی از صلاحیت‌های مشترک الگوی هدف‌گذاری که در برنامه‌ی درسـی ملی دیده شده است مانند تعقل، تفکر و اخلاق تا عنصر دهم که توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی است.

اگر ممکن است، این محورها را نام ببرید.

اولین محور توجه به صلاحیت‌های مشـترک مثل تعقل، اخلاق و دوم توجه به عرصه‌های ارتباطی (خود، خلقت، خلق، خالق) و سـوم تنوع‌بخشـی به محیط‌های یاددهی ـ یادگیری است. چهارم، کاربست روش‌های جدید آموزش و پنجم واگذاری اختیار به اسـتان‌ها اسـت. ششـم، توجه به تفاوت‌های جنسیتی و هفتم توجه به کار، کارآفرینی و فناوری و هشـتم توجه به مهارت‌های زندگی اسـت. نهم، توجه به درخواسـت‌های سازمان‌ها و نهادهای رسمی از برنامه‌ی درسی و دهم توجه به فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی است.

آیـا همه‌ی ایـن حوزه‌هـا را در برنامه‌ی درسـی منعکس کرده‌اید؟

ما در سازمان‌دهی فکری، شـکلی و محتوایی برنامه، این عنصر را پیش‌رو گذاشـتیم و در برخی از این عنصرها پررنگ‌تر عمل کردیم که بیشـینه‌ی آن در حوزه‌ی محتوایی است. مثلاً عنصر دوم ما توجه به عرصه‌های ارتباطی اسـت. یعنی خود، خلـق، خلقت و خدا. ما این را در برنامه‌ریزی درسـی و حتی روش‌های آموزش، طوری بازسـازی کردیم که همکاران ما در آموزش به این توجه کنند. برای همکارانمان نمونه‌هایـی تولید کردیم و در دوره‌های آموزشـی به‌کار گرفتیم. برای این‌که همکاران، این محورها و عناصر برنامه‌ی درسـی ملی را به‌طور عینی در برنامه‌ی زبان‌آموزی ببیننـد، چارچوب‌هایی را تدوین کردیم و محتـوای خودمان را در قالب تدوین شـده‌ی برنامه‌ی درسـی ملی ریخته‌ایم که یک جدول چهار در پنج شده است. یعنی چهار عرصه و پنج عنصر، که این عرصه‌ها و عناصر چهارچوب اصلی روش و محتوای ما را تبیین می‌کنند.

ممکن است این جدول را در یک مصداق توضیح دهید؟

مثلاً در نگاره‌ی یکـم وقتی مفهوم اصلی و کلی خانواده آموزش داده می‌شود، انتظار ما این است که آموزگار ما سمت و سوی آموزش را این‌گونه تبیین کند که فراگیرنده به کمک آن خانواده را بشناسد، نقش خود را در خانواده و ارتباط خود را با اعضای خانواده، شناخت پدر، مادر و دیگر عناصر در نگاره به عنوان جلوه‌ای از آفرینش الهی مشاهده کند.

نقش معلم و آموزگار، نخست بازشناسی و تبیین صحیح برنامه‌ی درسی ملی، جایگاه برنامه‌ی درسی ملی و ارتباط حوزه‌های درسی یا حوزه‌های یادگیری با برنامه‌ی درسی ملی است. یعنی معلم اول بداند که درس فارسی چه جایگاهی زیرچتر برنامه‌ی درسی ملی دارد و دوم، چه ارتباطی در فضای آموزش عمومی با درس‌ها و موضوعات درسی دیگر دارد؟ مثلاً پایه‌ی اول دبستان درس «علوم» و «ریاضی» دارد. سؤال این‌جاست که آیا «فارسی» در کنار آن برنامه‌های درسی قرار دارد، یا نه؟!

انتظار ما این است که پس از سعی گام شناخت خود، خلقت و خلق، در آموزش دانش‌آموز را به این سمت بکشانیم که جرقه‌هایی در ذهنش نسبت به شناخت خالق پدید آید. یعنی حرکت ساده از فضای محسوس بیرونی به سمت مفاهیم معقول و ذهنی.

در این فرآیند نقش آموزگار چیست؟

نقش معلم و آموزگار، نخست بازشناسی و تبیین صحیح برنامه‌ی درسی ملی، جایگاه برنامه‌ی درسی ملی و ارتباط حوزه‌های درسی یا حوزه‌های یادگیری با برنامه‌ی درسی ملی است. یعنی معلم اول بداند که درس فارسی چه جایگاهی زیرچتر برنامه‌ی درسی ملی دارد و دوم، چه ارتباطی در فضای آموزش عمومی با درس‌ها و موضوعات درسی دیگر دارد؟ مثلاً پایه‌ی اول دبستان درس «علوم» و «ریاضی» دارد. سؤال این‌جاست که آیا «فارسی» در کنار آن برنامه‌های درسی قرار دارد، یا نه؟!

اعتقاد شما چیست؟ آیا فارسی در کنار درس‌های دیگر قرار دارد؟

اعتقاد ما این است که فارسی در پایه‌ی اول دبستان، چند سروگردن فراتر از برنامه‌های درسی دیگر است. اگرچه در فرود برنامه‌ی درسی ملی قرار دارد، اما گام نخست آموزش عمومی ما، زبان‌آموزی است. این باید اتفاق بیفتد. پس از تعمیق یادگیری زبان‌آموزی، این گذرگاهی می‌شود برای رفتن به سمت علوم دیگر و آموزه‌های پسینی. بنابراین معلم ارجمند ما در شیوه‌های آموزش و کار بست روش‌های یاددهی ـ یادگیری باید به بنیان‌های فکری برنامه‌ی درسی ملی توجه داشته باشند. مثلاً در برنامه‌ی درسی ملی تأکید بر این است که روش‌های آموزشی ما باید به گونه‌ای باشد که بستر خلاقیت‌های دانش‌آموزی را شکوفا سازد، یا تعقل دانش‌آموزان را بپروراند و یا روحیه‌ی کتاب و کتاب‌خوانی و مطالعه را در آن‌ها پرورش دهد. این‌ها همه باید از طریق همکاران ما اتفاق بیفتد.

متن کتاب، چگونه شرایط را برای بهره‌گیری از روش‌های جدید آموزشی مهیا می‌سازد؟

روح برنامه‌ی درسی فارسی بر به‌کارگیری برنامه‌های مشارکتی تأکید دارد. توجه به کاربست روش‌های هم‌یاری و مشارکتی از بنیانی‌ترین محورهای ماست. به همین سبب من تأکید دارم که کار آموزشی کلاس‌ها به‌صورت مشارکتی و گروهی ارائه شود و معلم فرآیند

یاددهی ـ یادگیری را نظارت و هدایت کند.

آیا در کتاب فضایی برای واگذاری اختیار به استان‌ها دیده شده است؟

این نکته را در قالب یک درس مستقل به نام «درس آزاد» در کتاب گنجانده‌ایم. حضور درس آزاد در برنامه‌ی درسی فارسی، یعنی بهره‌گیری از تمام کارمایه‌های علمی و تجربه‌های آموزشی همکاران سراسر کشور، تا آن‌ها هم در تولید محتوای کتاب شرکت کنند. یعنی ۲۱ درس را ما تولید کرده‌ایم و یک درس را آن‌ها تولید کنند. در این‌جا هم مشارکت دانش‌آموز مؤثر است، گرچه در پایه‌ی اول نقش معلم اساسی‌تر به نظر می‌رسد. پس درس آزاد نخست فرصتی است برای ناگفته‌های کتاب درسی و دوم، توجه به عناصر بومی و نشانه‌های فرهنگ محلی، گویش و لهجه‌های زبانی ایران، با این قابلیت کتاب، هر روستایی می‌تواند خود را در کتاب درسی ببیند.

مبحث کار و فناوری چگونه در کتاب گنجانده شده است؟ آیا دانش‌آموز باید تولید کار داشته باشد؟

همین که بتواند در همان نگاره‌ی یک بگوید، من ظرف آب را از آشپزخانه تا سر میز می‌آورم، یعنی بتواند خود را در کارهای خانه و خانواده مهم و اثرگذار برای ما کافی است. در به‌کارگیری فناوری هم به همین صورت. یعنی دانش‌آموز بتواند به هنگام مشارکت در امور خانواده از ابزارهای امروزی استفاده کند. مثلاً بخشی از کارهای خانه را به کمک رایانه انجام دهد. در فضاهای دیگر اجتماعی نیز همین‌طور.

با استفاده از این کتاب چگونه مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان شکل می‌گیرد؟

یکی از اهداف برنامه‌ی ما این است که با کمک مهارت‌های زبانی، دانش‌آموزان ما شهروندانی سالم با فکر و اندیشه‌ای سالم و توانا در مهارت‌های زبانی تربیت شوند و در نتیجه ارتباط‌های اجتماعی خود را به خوبی محقق کنند. نگاه کلی ما این است که به کمک مهارت‌های زبانی، شهروندانی آداب‌دان و متخلق به اخلاق ایرانی، اسلامی و آشنا به مهارت‌های زندگی بپرورانیم.

تنوع فضای یادگیری چگونه اجرایی می‌شود؟

برنامه‌های درسی ما نباید به‌گونه‌ای تدوین شوند که فقط در چارچوب مدرسه قابلیت آموزش داشته باشند. این قابلیت باید در محتوا و سازمان‌دهی برنامه‌ریزی شود تا در همه‌ی فضاهای بیرون از مدرسه هم آموزش و یادگیری اتفاق بیفتد. مثلاً اگر مدرسه‌ای دانش‌آموز را به اردو می‌برد، در همان مسیر رفتن هم فرصت‌هایی برای یادگیری وجود دارد و معلم می‌تواند در آن موقعیت، خوب دیدن را از طریق تمام عناصر دیداری بیرونی تقویت کند. توجه‌دادن‌ها، سؤال کردن‌ها، متوقف کردن برای فکر کردن درباره‌ی همه پدیده‌های پیرامونی، می‌تواند فضای یادگیری را وسعت بخشد.

برای این‌که ما به چنین اهدافی برسیم، مثلاً پرورش قوه‌ی تعقل و خلاقیت؛ شما در تدوین کتاب بستر را برای محقق شدن این امر چگونه فراهم کرده‌اید؟

خوش‌بختانه فارسی این قابلیت را دارد و ظرف بسیار مناسب و فراخ دامنی است تا بتواند، تمامی نیازهای مخاطبان ما را برآورده کند. ما در حوزه‌ی سازمان‌دهی محتوایی برای هر کدام از این عناصر، جایگاهی را در ساختار کتاب دیده‌ایم. به‌عنوان مثال کتاب ما با یک جمله‌ی کوتاه و گزیده و بریده‌ای از سخنان ائمه و بزرگان معصومین (ع) آغاز می‌شود. یعنی جمله کاملاً آگاهانه و انتخابی و در پیوستگی با محتوا و آموزه‌های ما. اولین جمله این است: «بخوان، به نام پروردگارت.» واژه‌ی خواندن در آغاز کلام و تأکید بر به‌کارگیری لفظ و عبارت از قرآن کریم. انتظار ما این است که همکار ما این جمله را فرصتی برای فکر کردن دانش‌آموزان قرار دهد. خود جمله را بازخوانی کند و با سؤال، فکر و ذهن دانش‌آموزان را با خود همراه کند. به این ترتیب ما ایستگاه‌هایی برای فکر کردن ایجاد کرده‌ایم. در بخش دیگر سازمان‌دهی محتوایی، ما یک عنصر ثابت در کتاب داریم با عنوان کتاب‌خوانی. اگر آموزگاران محترم از کنار همین بخش به سادگی بگذرند، فرصت بسیار مناسبی برای فرهنگ‌سازی مطالعه از کف می‌رود. هم‌چنین ما در کتاب یک جمله‌ی کوتاه آورده‌ایم که، داستان یا کتابی را که خوانده‌اید نام ببرید. به نظر ساده می‌آید،اما این کار برای ایجاد فرهنگ‌سازی و تغییر نگاه نسبت به کتاب و کتاب‌خوانی است. در بقیه‌ی حوزه‌ها هم همین‌طور است. ما در زبان‌آموزی از تصویر و نگاه آغاز کرده‌ایم تا برسیم به فرجام کتاب که متن‌ها و نمونه‌های روان‌خوانی هستند. همه‌ی این‌ها هم‌سو با برنامه تهیه شده‌اند.

پرورش خوب گوش دادن یکی از اهداف ماست، که سعی کرده‌ایم به کمک نگاره‌ها آن را محقق کنیم. خوب دیدن نکته‌ی دیگری است که برای پرورش ذهنی دانش‌آموز نیاز است. ما به کمک ۱۰ نگاره‌ی آغازین کتاب، سواد بصری و شنیداری او را تقویت می‌کنیم و به کمک این دو به سمت خوب سخن گفتن قدم برمی‌داریم. این‌ها ذهن را فربه می‌کنند و نرمشی برای زبان‌آوری هستند. در این نگاره‌ها، فعالیت‌هایی را تبیین کرده‌ایم که این اهداف را محقق می‌کند. مثلاً «ببین و بگو»، ببین، خوب دیدن را پرورش می‌دهد. یعنی ایست کن و با دقت نگاه کن. این همان آموزه‌ای است که خداوند در قرآن بارها به ما تلنگر می‌زند؛ «افلایتدبرون»، «افلاینظرون»، ما در نگاره‌ها، این را به‌عنوان اولین پرسش قرار داده‌ایم. وقتی دانش‌آموز آن‌ها را دید، سپس باید بتواند بیان کند. فعالیت دیگری نیز داریم به نام «گوش کن و بگو».

به هنگام مواجه با نگاره‌ها معلم چگونه باید عمل کند؟

۱۰ نگاره‌ی ما ۱۰ قدم اســت بــرای نرمش ذهن و زبان. معلم به کمک کل‌خوانی باید ایســت و درنگ کند تــا تصویرخوانی به کمک گروه‌هــای دانش‌آموزان اتفاق بیفتد. یعنی مشــارکت دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی ـ یادگیری یکــی از اصلی‌ترین تکیه‌گاه‌های برنامه‌ی درســی ملی و برنامه‌ی آموزشی فارسی است. اگر مشارکت دانش‌آموز در امر یادگیری اتفاق بیفتد، میزان مانایی آموزه‌ها بســیار بیشتر است. بنابراین همکاران ما دو وظیفه دارند:

۱. هدایت چرخه‌ی آموزش

۲. نظارت بر فرآیند جریان یاددهی ـ یادگیری

برنامه‌ی درسی فارسی بر پرورش چه ویژگی‌هایی تأکید دارد؟

برنامه‌ی ما بر پرورش مهارت‌های زبانی تکیه دارد. ما در اصل چهار مهــارت اصلی زبانی و دو مهارت فرازبانی را در برنامه تدارک دیده‌ایم. چهار حــوزه‌ی اصلی زبانی ما گوش کردن، ســخن گفتن، خواندن و نوشــتن است. افزون بر این‌ها ما دو مهارت فرا زبانی یعنی اندیشیدن، تفکر و نقد و تحلیل را مدنظر قرار داده‌ایم.

دانش‌آموز پایه‌ی اول ابتدایی چگونه باید مباحث را نقد کند؟

وقتی سخن از نقد و تحلیل می‌کنیم، از معنای تخصصی واژه حرف نمی‌زنیم. چون مخاطب ما اول دبستانی است. نقد یعنی به دانش‌آموز فرصت دهیم، پس از بحث و بررسی در گروه، چند دقیقه بدون توجه به نگاره، نظر دهد و برداشت فردی خود را نسبت به آن نگاره بازگو کند. به دانش‌آموز فرصت دهیم در بخش محتوا که همان تصویر است فکر کند و پس از آن زایش فکری داشته باشد و به سخن آید. ما در گذشته به این موارد کمتر توجه داشتیم، اما باتلنگری که برنامه‌ی درسی ملی به ما زد بر روی این نکات تأکید کردیم و انتظار داریم معلم، این ایستگاه‌های بین راهی از آغاز آموزش تا رسیدن به مقصد را بیشتر کند.

آموزگار با توقف در این ایستگاه‌ها باید چه فعالیتی انجام دهد، با بچه‌ها گفت‌وگو کند و پرسش و پاسخ داشته باشد؟

ما دقیقاً این که چه کاری را باید انجام دهد، در کتاب گنجانده‌ایم. چینش ما یک سیر پلکانی و منطقی دارد. نگاره‌ی یک تا سه «ببین و بگو»، «گوش کن و بگو» اســت. نگاره‌ی سه تا هفت تبدیل به چهار فعالیت شده است و نگاره‌های پنج تا هفت نیز به پنج فعالیت تبدیل شده است. اگر معلم دقیقاً مطابق چینش کتاب پیش رود و آن را در کلاس عملی سازد، فکر می‌کنم به اهداف کتاب نزدیک خواهد شد.

آموزگارهــای پایه‌ی اول چقدر با تغییرات صورت گرفته آشنا هستند؟

از مدت‌ها پیش، به شــیوه‌های گوناگون اطلاع‌رسانی کردیم که دارد تغییری ایجاد می‌شــود و ســیلی بنیان کن و دراز آهنگ در پیش است. این در حد خبر بود. اما در حوزه‌ی تغییر محتوایی کارهای بسیاری انجام شده است. منتها باید به سراغ نیروی انسانی برویم که به گمانم دشوارترین بخش است.

گرانی گاه هر تحول در آموزش و پرورش به آموزش نیروی انسانی بســتگی دارد. ما این کار را در یک دوره‌ی بســیار فشرده، در تابستان امســال آغاز کردیم. اما آموزش نیروی انســانی با برگزاری یک دوره به فرجام خود نرســید، این یک آغاز اســت. خواهش من از مسئولان آموزش نیروی انســانی کشور این اســت که اگر می‌خواهیم تمام این تحول‌ها بارور شود و به ثمر بنشیند و اثراتش در نگرش‌های آموزگاران و یادگیرندگان دیده شــود، باید فعالیت‌ها تداوم داشــته باشد و آموزش نیروی انسانی پیوسته باشد.

آیــا در کنــار تولیــد کتاب، فیلــم و لوح فشــرده، جزوه‌ای برای آموزش معلمان یا بسته‌ی آموزشی هم برای دانش‌آموزان دارید؟

ما بســته‌ای آموزشــی را تدوین و طراحی کرده‌ایم. در این بسته، لوح فشــرده‌ی کتاب گویا را داریم که خوانش متن‌ها و اشــعار اســت. چون در سراسر کشــور همه‌ی دانش‌آموزان حق دارند شعر را به زبان معیار و با خوانش درســت بشــنوند و البته در بعضی استان‌های کشور تأثیــر گویش‌های محلی این اجازه را نمی‌دهد که خوانش معیار اتفاق بیفتد. هم‌چنین محتوای لوح فشرده‌ی دیگری، روش‌های تدوین کتاب اســت که در همین دوره‌ی آموزشــی هم به همکاران داده شده است. لوح‌فشرده‌ی دیگری نیز «خودآموز کتاب فارسی اول ابتدایی» است که در اختیــار همکاران حاضر در دوره قرار گرفت. به جز این‌ها «راهنمای معلم» را داریم که بســیاری از ناگفته‌های برنامه‌ی درسی، شیوه‌های یاددهی ـ یادگیری، روش‌های ارزش‌یابی توصیفی در آن توضیح داده شده اســت. کتاب دیگری هم به نام «راهنمای ارزش‌یابی توصیفی» تهیه شده است که در دوره به همکاران تقدیم شد. در عین حال فیلم کلاس‌هایی که برای مدرسان کشوری اجرا شده بود، ضبط شده است و قرار است به استان‌ها داده شود. هم‌چنین گفت‌وگوها و میزگردهایی به صورت لوح فشــرده آماده شده اســت که درآن در رابطه با برنامه‌ی درسی ملی و هم‌سوسازی آن با برنامه‌ی درسی ملی است به ۱۵ سؤال پاسخ داده شده است.